

این جامعه ی نامهربان!

<http://imanika.com>

کشور و مردم خود را نامهربان، خشن و نادان می بینم. دوست داشتم هر روز به جای این همه انسان ناراحت و جدی و بزرگ منش!، مردمی خندان و سهل انگار و کودک صفت! می دیدم.

مردمی پر از حرص و آز و دروغ و دورنگی که خواسته هایشان چشم هایشان را کور کرده است. باورها و نگرش های نادرست آنها نسبت به زندگی آنها را کور کرده است و مانند ربات هایی به این طرف و آنطرف می روند تا بالاخری روزی مرگشان فرا رسد.

دغدغه ی خودسازی و خودشناسی حقیقت جویی وجود ندارد، بلکه همه در پی اطاعت اند، اطاعت و پیروی و تقلید از هزار و یک چیز...

من از این جامعه مهربانی ندیدم. این جامعه به من ظلم های زیادی کرده است و در کودکی زخم هایی بر روانم وارد کرده است.

زخمهایی که بر روان همه ی ما هست و ما آنها را فراموش کرده ایم.

بلا ی بزرگ جامعه ی ما مادی گرایی و توهم گرایی است که منشا همه ی اینها نادانی است. اینکه انسان ها نمی دانند می خواهند چه کنند و نمی خواهند تصمیم بگیرند، نمی خواهند تحولی در خود ایجاد کنند، بلکه می خواهند به وضع موجود ادامه دهند. به هر چه به آنها احساس خوبی و آرامشی بدهد دست می یازند و بر عکس.

و بدون شک جامعه از تک تک ما انسان ها تشکیل شده است. ما هر گونه که باشیم، به سهم خود در شکل گیری جامعه نقش داشته ایم. و مهمتر اینکه هرگونه باشیم، دنیای اطراف ما و در نتیجه وضعیت روحی و ذهنی ما هم با همان ترتیب خواهد بود. تصور کنید که اگر همیشه شاد و آگاه و مهربان و اهل تساهل باشیم، در این صورت وضعیت محیط ارتباطی ما هم از رفتار ما تاثیر خواهد پذیرفت و بدون شک بازتاب رفتارهای خود را در وجود خود خواهیم دید.

ایمان روشنگر
نویسنده ی وبلاگ **بازگشت به آزادی**